

سیاستگذاری تحقق دانشگاه اسلامی با تأمل بر دیدگاه امام خمینی (س)

فراکت موسوی^۱

چکیده: از نظر امام خمینی دانشگاه‌ها دو کار عمده دارند که یکی تربیت و اصلاح انسان و دیگری تربیت دانشمندان و متخصصان است و هر دوی این کارها باید در کنار یکدیگر انجام شود دانشگاه همچنانکه می‌تواند برای پیشرفت و تعالی کشور، یک زمینه و فرصت مناسب تلقی گردد، اگر از شرایط مطلوب برخوردار نباشد، یک تهدید جدی برای عزت و استقلال و سلامت فرهنگ جامعه به شمار می‌آید. با توجه به اهمیت این موضوع باید بهبود کیفیت دانشگاه را مورد توجه جدی قرار داد.

در این پژوهش سعی شده است افکار و گفتار امام در خصوص راهبردهای تحقق اسلامی شدن دانشگاه‌ها برای دانشگاهیان و سیاستگذاران جمع‌آوری و جمع‌بندی شود تا ضمن بررسی و بازشناسی مجدد آنها در راستای شناخت نقش و جایگاه دانشگاه و اهمیت دستاوردهای آن در فرآیند پیشرفت جامعه برای ارزیابی و بازنگری روند کنونی دانشگاه‌ها در صدر مسائل دانشگاهی قرار گیرد و افق آینده در فرآیند انقلاب فرهنگی و تحول دانشگاهی بر همگان روشن گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاستگذاری، دانشگاه اسلامی، امام خمینی، تربیت، تهذیب، تعلیم

مقدمه

دانشگاه در سرنوشت کشور نقش برجسته و تأثیرگذاری دارد. دانشگاه با تربیت دانشجویان، اثری ماندگار و درازمدت بر سرنوشت کشور و مصالح ملت و فرهنگ مردم بر جای می‌گذارد.

۱. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه،

E-mail: frnkmosavi@yahoo.com

ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۳

پژوهشنامه متین / سال هجدهم / شماره هفتاد و سه / زمستان ۱۳۹۵ / صص ۱۴۳-۱۲۷

برجستگی این نقش در ماندگاری و آثار دیرپای دانشگاه است، فرآورده‌هایی که هریک در ساختمان این اثر ماندگار، چون خشت و مصالح، جایگاه تأثیرگذار دارند (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۸۶: ۱۱). بنابراین، جایگاه سرنوشت ساز دانشگاه در تصمیم‌گیری‌ها و تحول در کشور همواره مورد تأکید و توجه خاص امام خمینی بوده است (آقاپور و حسنی ۱۳۸۸: ۴۹).

ایشان در جمله‌ای این اهمیت را گوشزد کرده‌اند: «اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۴۱). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه هم منشأ دردها و فسادهای موجود و هم منشأ اصلاح کشور است و بسته به اینکه دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان چه جهت‌گیری‌هایی داشته باشند، ثمرات آن نیز مشخص خواهد شد. امام خمینی در سخنان خویش، به این دو جهت‌گیری کاملاً مجزا و مشخص، به‌طور صریح اشاره فرموده‌اند. درباره جهت‌گیری اول معتقدند همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۲۲) و در خصوص جهت‌گیری دوم هم عقیده دارند که اگر دانشگاه یک کشوری اصلاح شود آن کشور اصلاح می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۴۲۹). آنگاه در بیاناتی دیگر، این دو جهت‌گیری متضاد را در کنار هم قرار می‌دهند و نتیجه هر یک را گوشزد می‌کنند: «دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند. و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۶۱).

امام دانشگاه را مبدأ همه تحولات می‌دانند و معتقدند سرچشمه سعادت و شقاوت یک ملت از دانشگاه است، و باید با جدیت آن را درست و اسلامی کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۶۴). البته ممکن است واژه دانشگاه اسلامی در میان بیانات ایشان، کمتر به چشم بخورد، اما اگر دانشگاه اسلامی را دانشگاه مطلوب در جامعه اسلامی بدانیم که حق نیز همین است، می‌توان گفت که تمامی تصویرات، انتظارات و توصیه‌هایی که ایشان در مورد دانشگاه و عناصر دانشگاهی دارند، بیان‌کننده مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی است؛ بدین معنی که دانشگاه‌ها باید استقلال داشته باشند و وابسته به شرق و غرب نباشند. و این مسأله را به استادان و دانشجویان توصیه می‌کنند که مبادا دانشگاه‌ها و در نهایت مملکت به دست اجانب و منفعت‌طلبان بیفتد (موسوی ۱۳۸۸: ۲).

در ادامه بحث، ضمن تبیین مفهوم دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام راهبردهای تحقق دانشگاه اسلامی از دیدگاه ایشان ارائه و تشریح می‌شود.

مفهوم دانشگاه اسلامی

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یا حرکت به سوی اهداف آرمانی اسلام، حرکتی بنیادی به منظور بهبود همه‌جانبه جامعه و ساختار اجتماع است که از دغدغه‌های مهم و آرمان‌های امام خمینی بوده که در بیانات رهبری نیز تداوم یافته و بر آن تأکید نموده‌اند (آقاپور و حسنی ۱۳۹۱: ۴۹). دانشگاه اسلامی گستره‌ای به پهنای دانشگاه مطلوب دارد و این دو مفهوم را نمی‌توان از همدیگر جدا کرد؛ زیرا نمی‌توان دانشگاه مطلوب را به دو دسته اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کرد. البته جداناپذیری این دو مفهوم از حیث مصداق است، ولی از حیث مفهوم می‌توان بین این دو تفکیک قائل شد (فیض و شریفی ۱۳۸۸: ۲۹). در ادامه، مفاهیم دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و تنی چند از کارشناسان امر بازگو می‌شود.

دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۵۲-۲۵۱). ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم. ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم... آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۵۲).

دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همه درسها هم خوانده بشود، همه درسها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، در کارتان موفقید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۴۸).

باید تلاش کنید جهات دینی را در دانشگاه بیشتر کنید. باید قبل از هر چیز، دانشگاه اسلامی باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۱۶).

دانشجویان و علمای دانشمند دست به هم بدهند و هر چه زودتر دانشگاهها را به طریقه اسلامی، به طریقه ملی، دانشگاهی که مال خود ملت باشد، دانشگاهی که مال خود ملت اسلامی باشد، زودتر باز بشود و دست اشخاصی که می‌خواهند این دانشگاه را به طرف شرق بکشند یا به طرف

غرب بکشند کوتاه کنند و مقدرات دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی به دست بگیرند و دانشگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد، نه اینکه زحمت را ملت بکشد و خرج دانشگاهها را ملت به عهده بگیرد و یک دانشگاهی باشد که اشخاصی که از او بیرون می‌آیند یا قبله‌شان شرق باشد یا قبله‌شان غرب باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۳۱-۴۳۰).

دانشگاه اسلامی از دیدگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی

از نظر این شورا، دانشگاهی اسلامی است که در آن پیش توحیدی در تمام شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم آموزی به منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاقی به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه نفوس ایجاد می‌شود. حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۷).

پیشینه بحث

بحث از دانشگاه اسلامی و اسلامی کردن دانشگاهها، تاریخچه‌ای بس طویل دارد. در دهه اخیر مباحث فراوانی در این زمینه صورت گرفته که به اختصار، گزارشی اجمالی از برداشت‌های گوناگون در این رابطه عبارتند از:

(۱) صورت‌گرایی: گروهی بر رعایت ظواهر و شعائر در رفتار فردی و جمعی دانشگاهیان، فضای ظاهری دانشگاه و وضع ظاهر و پوشاک دانشجویان و اساتید و نوع روابط دانشجویان دختر و پسر تأکید داشته‌اند.

(۲) معناگرایی: گروهی دیگر نگاهی دقیق‌تر و علمی‌تر به بحث دارند، دانشگاه اسلامی را نه در ظاهر بلکه در معنا و باطن جستجو می‌کنند. و بر این باورند که باید اسلامی سازی علوم اتفاق بیفتد به ویژه در مورد علوم انسانی و اجتماعی؛ در این مورد تلاش‌هایی را هم در جهت تحقق علوم اجتماعی اسلامی انجام داده‌اند؛ مانند اقتصاد اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، و... اما عده دیگری نیز علاوه بر تأکید بر ظواهر و شعائر دینی معتقدند که دانشگاهی اسلامی است که در آن

ارزش‌های اسلامی، الهی، ملی از قبیل استقلال، فایده‌مندی، سعه صدر، تضارب آرا، اندیشه‌ورزی، تکریم انسان‌ها، سلامت نفس و... حاکم باشد (قنبری و منافی ۱۳۹۵: ۱۴۷).

سیاست‌های تحقق دانشگاه اسلامی

با تأمل بر بیانات و سخنان امام خمینی، راهبردهای اسلام‌سازی دانشگاه و تحقق دانشگاه اسلامی از دیدگاه ایشان را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱) ایجاد فضای سالم و عاری از فساد

رفع موانع و چالش‌های اسلامی‌سازی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین مسائلی است که باید در طرح دانشگاه اسلامی بدان توجه کافی مبذول شود. از این رو بحث‌گزینش برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این گزینش در خصوص اساتید، دانشجویان و کارکنان باید جدی گرفته شود. سنگر علم و دانش مقدس است و سرمایه کشور اسلامی باید در اختیار انسان‌هایی مؤمن و متدین قرار گیرد، نه افرادی که به راحتی مقدسات دینی و ارزش‌های اسلامی را زیر سؤال می‌برند. لذا حضور مغرض و ناسالم و در پاره‌ای از موارد معاند و معارض در کالبد دانشگاه‌ها از موانع جدی و محسوس اسلامی‌سازی دانشگاه محسوب می‌گردد.

امام نیز حضور افراد مسأله‌دار و مشکل‌آفرین و آسیب‌زای دستگاه‌های آموزشی - تربیتی را مورد اشاره قرار می‌دهند و با حساسیت و هشدارهای جدی، تأکید می‌کنند که بایستی عرصه دانشگاه و سایر مراکز آموزشی از لوٹ تمامی اشخاص منحرف، معاند و ناسالم پاک گردد و با جدیت و نظارت دقیق، مانع از حضور چنین افرادی به مجموعه آموزشی^۵ تربیتی کشور شوند (قنبری و منافی ۱۳۹۵: ۱۵۵). به باور امام «بر دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز و اساتید و معلمان متعهد است که با تمام توان و قدرت در شناسایی عوامل فساد کوشش کنند و محیط آموزش و پرورش را از لوٹ وجود آنان پاک نمایند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۴).

ایشان وجود چنین افرادی را به جهت اینکه مانع از اصلاحات فرهنگی و اسلامی‌سازی دانشگاه می‌شوند و دانشگاه را از مسیر اصلی و صحیح خود منحرف می‌کنند و سدی در برابر تحقق صورت مطلوب دانشگاه اسلامی می‌سازند، بسیار خطرناک می‌دانند و کارکرد طبیعی آنها را به طور جدی ایجاد انحراف، معارضه و وابستگی به غیر می‌دانند؛ لذا معتقدند که باید مراکز علمی

و تربیتی از عناصر فاسد و خدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شود؛ زیرا تا این عناصر که در خدمت اجانب هستند تصفیه نشوند، نخواهیم توانست به استقلال فکری و درونی برسیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۸۲).

۲) انسان سازی و اخلاق مداری

از جمله مهم ترین رسالت های مراکز علمی و فرهنگی در دیدگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، انسان سازی است و در این مسیر، دانشگاه و دانشگاهیان می توانند تأثیر بسزایی داشته باشند. همانطور که حوزه های علمیه چنین وظیفه خطیری را برعهده دارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۷۲-۴۷۱). امام خمینی دانشگاه را مرکز درست کردن انسان می داند و معتقدند سهل انگاری نسبت به این رسالت عظیم دانشگاه، به معنای بی اعتنائی به رسالت انبیاست «همه انبیا برای آدمسازی آمده اند. قرآن کریم یک کتاب آدمسازی است. همه انبیا آمده اند که آدمها را درست کنند. به درست کردن آدم همه بساط درست می شود. این دو قطب که هر دو مأمور آدمسازی هستند، قطب دانشگاه مأمور آدمسازی هست و قطب روحانیت مأمور آدمسازی، کارشان شریفترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۹۴-۹۳). از دیدگاه امام خمینی، تحول و دگرگونی در اشخاص (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۶۵)، تلاش در جهت انسانیت افراد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۶۶) تعلیمات توأم با تربیت انسانی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۱۰)، نجات جوانان از غرزدگی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۱۰)، تربیت مطابق فطرت انسانی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۲)، در راستای رسالت انسان سازی دانشگاه و دانشگاهیان است (قبری و منافی ۱۳۹۵: ۱۵۶). در باب اهمیت رسالت انسان سازی دانشگاه، امام خمینی معتقدند که دانشگاه ها و حوزه های علمیه نباید فقط همشان گفتن درس باشد بلکه باید در کنار آموزش تربیت معنوی هم باشد اگر اینطور نباشد و انسان ها را در این زمینه همدوش با هم تربیت نکنند علم به تنهایی بدون اخلاق موجب فساد و هلاکت است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۵۰۱-۵۰۰).

۳) کارآمدی و برقراری ارتباط با جامعه

یکی دیگر از راهبردهای تحقق دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی این است که در خدمت جامعه دینی باشد، یعنی در رفع نیازها کارگشایی کند. این توقع امام خمینی از دانشگاه، ریشه در

متون دینی دارد که براساس آن، علم باید نافع باشد. از نظر امام دانشگاه مطلوب «نیاز محور» است. نیازهای اجتماعی برای دانشگاه یک فرصت تلقی می‌گردد؛ چرا که می‌تواند برای دانشگاه تحرک آفرینی نماید (بابایی ۱۳۹۴: ۲). دانشگاه اگر برکنار از احتیاجات و معضلات جامعه باشد، رخوت آلود و بی‌نشاط خواهد بود. مشکلات جامعه به منظور تحلیل و بررسی باید در دانشگاه‌ها انعکاس یابد و به همین منظور فراهم آمدن همه‌لوازم برقراری ارتباط شایسته دانشگاه با بخش‌های مختلف جامعه ضروری است که از جمله این لوازم، شفافیت در عملکرد مسئولین جامعه و آزادی بیان در دانشگاه‌هاست. از این منظر می‌توان گفت که دانشگاه باید مردمی باشد و نسبت به مشکلات مردم بی‌اعتنا نباشد و حل معضلات را در فضایی که شایسته شأن دانشگاه است، یعنی بر اساس علم و عقلانیت و به دور از التهابات و کشمکش‌های سیاسی مورد بررسی قرار دهد. تأکید امام بر اینکه دانشگاهیان باید در عرصه سیاست و اداره امور جامعه حاضر و ناظر باشند، به همین نکته اشاره دارد. «دانشگاهی‌ها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۳۶۸). «ما که می‌گوییم که باید دانشگاه و فرهنگ اصلاح بشود، ما نمی‌خواهیم که دانشگاه نباشد؛ ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که برای ملت باشد، برای خودمان باشد. دانشگاهی که در خدمت آمریکا باشد، نبودش بهتر است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۱۴). «ما که می‌گوییم دانشگاه اسلامی، ما می‌خواهیم که یک دانشگاه داشته باشیم که روی احتیاجاتی که این ملت داشته باشد کرسی داشته باشد و برای ملت باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۴۰). بنابراین دانشگاه به عنوان مهم‌ترین نهاد فکری- فرهنگی که قدرت فکری جامعه را در اختیار دارد و خروجی این نهاد نیز نیروی انسانی کشور را فراهم می‌گرداند، ضرورت دارد با احتیاجات جامعه همسو باشد (قبری و منافی ۱۳۹۵: ۱۶۲).

اگر دانشگاه بتواند به این ویژگی مورد نظر امام پاسخ گوید؛ یعنی رسالت خود را با رفع نیازهای جامعه گره بزند، از یک سو، دانشگاه نشاط و تحرک لازم را خواهد یافت و از سوی دیگر از ظرفیت دانشگاه‌ها برای گره‌گشایی از مشکلات استفاده خواهد شد. شرایط دانشگاه باید به گونه‌ای تغییر یابد که هر دانشجویی بتواند با مشکلاتی از جامعه که با رشته تحصیلی او مرتبط است آشنا باشد و این مشکلات را مسأله ذهنی خود ساخته باشد.

۴) تربیت نیروهای انسانی متخصص و متعهد

امام همچنانکه بر تعهد تأکید داشت بر ضرورت کسب تخصص نیز اصرار می‌ورزید. دانشجویان را به تحصیل و کسب تخصص دعوت می‌کرد. در دانشگاه اسلامی فراگیری علم، یک اصل است که نادیده گرفتن آن اساس دانشگاه را زیر سؤال می‌برد. این تصور اشتباه است که اسلامی بودن دانشگاه را تنها به رکن تعهد نسبت دهیم. اسلامی بودن دانشگاه منسوب به هر دو رکن تعهد و تخصص است. تخصصی که زمینه ساز خدمت است و افراد را برای خدمتگزاری توانایی می‌بخشد. تخصصی که زمینه ساز کسب قدرت و ضامن استقلال است. از جمله مهم‌ترین پیش نیازهای تحقق همه جانبه اهداف انقلاب اسلامی، تربیت نیروی انسانی دانا، مؤمن، خلاق و سرشار از عشق و انگیزه است. سرمنشأ بدبختی و سعادت‌مندی یک ملت از دانشگاه است. دانشگاه با تربیت انسان‌های وابسته و بی اعتماد به نفس می‌تواند مدیریت و رهبری ملت را به اجانب و استعمارگران بسپارد و با تربیت انسان‌های با ایمان و وفادار به کشور خود، سعادت‌مندی و ترقی یک ملت را رقم بزند.

امام خمینی رسالت دانشگاه را انسان‌سازی یعنی تربیت انسان‌های مؤمن، وفادار به ملت خود و متعهد می‌داند و انسان‌هایی که مؤمن باشند و زیر بار ظلم اجانب نروند و تطمیع‌ها و تهدیدها در آنان اثری نداشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۷۲-۴۷۱).

همچنین ایشان معتقدند دانشگاه باید مهد تربیت باشد مهدی که انسان‌های معنویت‌گرا تربیت کند نه انسان‌های مادیگرا و بیان می‌دارند:

اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت‌های داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳).

امام خمینی با نگرشی ژرف به ابعاد گوناگون، از جمله به این مسأله توجه کرده و با کلام‌های گویبار خود راه را نشان داده‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید؛ اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید» (امام

خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۶۷)، «دانشگاه‌ها را مرکز تربیت قرار بدهید؛ علاوه بر دانش، تربیت لازم است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۸).

اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۲۸)، «دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید. و همه درس‌ها هم خوانده بشود، همه درس‌ها هم برای خدا خوانده بشود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۴۸)؛ و بالاخره در فرازی دیگر، با اشاره به هر دو عامل تخصص و تعهد در کنار هم، می‌فرماید: «اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات، متحقق در آنجا تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۱۲) پس ملاحظه می‌شود که امام خمینی در این مجموعه از بیانات، ضمن اشاره به اینکه دانشگاه باید مرکز تربیت، انسان‌سازی و خداجویی باشد، کسب تخصص را هم لازم می‌شمرند. نپرداختن به چنین موضوعی را باعث نابودی کشور ذکر می‌کنند و متخصص غیرمتعهد و فاقد تربیت انسانی را به حال کشور مضر می‌دانند؛ اما روشن است که رسیدن به این دو عامل و جهت، یعنی تخصص و تعهد، به آسانی صورت نمی‌گیرد و به کار و تلاش جدی استادان و دانشجویان و همه دست‌اندرکاران و متفکران دلسوز و هنرمندان دردمند نیاز دارد؛ که هر یک، بویژه دانشگاهیان، باید از یک سو به این تلاش و جدیت دست‌زند و متحمل سختی‌ها و ناراحتی‌ها شوند و از سویی دیگر، با شناخت موانع و مشکلات، در صدد مبارزه با آن موانع و حل مشکلات برآیند. از این جهت است که امام به کارگیری این کوشش و تلاش را متذکر می‌شوند و آن را لازم می‌شمارند. ایشان در جایی می‌فرمایند: «جدیت و فداکاری لازم دارد تا دانشگاه، دانشگاه بشود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۲۲)؛ و در جایی دیگر به این تلاش و کوشش ارج می‌نهند و بر فداکاران و تلاشگران درود می‌فرستند: «سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرافرازی و اعتلای کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی - اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۷۸). «باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۸۰). «اگر دانشگاه‌ها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می‌گیرند و سرپرستی می‌کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه

با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۲۷-۳۲۶). در واقع امام خمینی رسالت و وظیفه دانشگاه را تربیت انسان‌های مؤمن، معنویت‌گرا و متعهد می‌داند.

۵) جهت‌گیری توحیدی و معنوی محتوای علوم

امام خمینی نکاتی مهم در مورد نگرش توحیدی به عالم بیان نموده است که با توجه به اهمیت آثاری که این نگرش در چگونگی تولید علم، آموزش و کاربرد آن دارد، می‌توان از نگرش توحیدی به عالم به عنوان راهبرد دیگر تحقق دانشگاه اسلامی یاد نمود. امام خمینی اصلی‌ترین هدف دانشگاه را توجه به خدا می‌داند: «باید به فکر این باشد که آن چیزهایی را که مقصد است و برای تربیت انسان است، برای آموزش انسان است، جهت به آن بدهد. چنانچه در دانشگاه‌ها جهت به آن داده نشود، همان دانشگاه‌هایی می‌شوند که در بین بشر هست، و از همان دانشگاه‌ها قوای مخربه بیرون می‌آید و اگر جهت به آن داده شود، دانشگاه‌ها کاری می‌کنند که مسلسل‌ها نمی‌تواند بکند که هیچ کس دیگر نمی‌تواند این قدر خدمت کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۴۹).

ایشان فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی را در این می‌دانند که دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت؛ ولی اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. معتقدند تمام علوم یک ورق از عالم است؛ آن هم یک ورق نازل تر از همه اوراق. عالم، از مبدأ خیر مطلق تا منتهی‌الیه، یک موجودی است که حظ طبیعی‌اش یک موجود بسیار نازل است؛ و جمیع علوم طبیعی در قبال علوم الهی بسیار نازل است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۳۳).

در نگرش توحیدی، همه عالم، آیه خداست. علم در غیاب رابطه پدیده‌ها با سرچشمه فیض شکل نمی‌گیرد. اگر چه ریزی‌ها در کشف پدیده‌ها حذف نمی‌شود. اما به واسطه بینش توحیدی، هیچ پدیده‌ای مستقل و جدا تصور نمی‌شود. در پرتو نگرش توحیدی، عالم نظام‌مند است و علوم حاصل از اینچنین نگرشی در هماهنگی به سر می‌برند... «طب هم باید باشد، علوم

طبیعی هم همه باید باشد ... لکن مهم، آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۳۵).

۶) همراهی تهذیب و تعلیم

اخلاق، تهذیب و تزکیه جایگاه والایی را در اندیشه امام خمینی به خود اختصاص داده است. توجه جدی امام به این مقوله ناشی از تفسیری است که ایشان از رسالت انبیا و هدف حیات انسانها داشته‌اند. از دیدگاه ایشان رسالت انبیا، محقق نمودن هدف حیات انسانهاست. انبیا آمده‌اند تا انسانها در پرتو هدایت‌های الهی به کمال شایسته شأن خود دست یابند. به تصریح قرآن کریم انسانها باید نفس خود را تزکیه نمایند تا به فلاح و رستگاری نائل گردند. بر این اساس، امام خمینی بارها این نکته را یادآوری کرده‌اند که در رسالت انبیا، تزکیه و تعلیم همراه یکدیگر بوده‌اند.

دور افتادن تعلیم از تزکیه و بلکه غفلت از امر تهذیب و کسب فضائل اخلاقی اگرچه در نظام آموزشی نوین عادی به نظر می‌رسد اما بر اساس مبانی فکری امام که برخاسته از متون دینی است، قابل پذیرش نیست. می‌توان گفت که «انسان محوری» از معیارهای مهم نظام آموزشی مطلوب از دیدگاه امام است و نظام آموزشی، زمانی انسان محور است که نسبت به تربیت انسان و شکوفا نمودن انسانیت او بی‌اعتنا نباشد. از نظر ایشان علم بدون تقوا و لو علم توحید یا علم ادیان در آن عالم بی‌ارزش است و از اساتید حوزه و دانشگاه می‌خواهند که به این موضوع اهمیت خاص بدهند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۸۸-۱۸۷).

برای اینکه جایگاه تهذیب و تزکیه را در اندیشه امام بهتر دریابیم، این نکته را نیز باید در نظر داشته باشیم که امام خمینی هدف نهایی انقلاب اسلامی را فراهم آوردن بستر مساعد برای رشد انسان و کسب فضائل اخلاقی معرفی می‌کند. بر اساس مبانی فکری انقلاب اسلامی، دانشگاه نمی‌تواند نسبت به سرنوشت اخلاقی مخاطبان خود بی‌اعتنا بماند «ملت ما تا اینجا آمده است و بحمد الله با پیروزی به اینجا رسیده است؛ لکن پیروزی این نیست که ما فقط طاغوت را از بین ببریم. پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی، اسلامی، که همه کارهایمان، همه عقایدمان، همه اخلاقیاتمان، همه اسلامی باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۷۱). از نظر امام، صاحب علم اگر مهذب نباشد، ضررش برای جامعه بیشتر است. چرا که غیرمهذب، علم خود

را آنجا که نباید، به کار می‌گیرد. فرد غیر مهذب، ظرفیت برخورداری از علم را ندارد، صلاحیت استفاده از علم را دارا نیست. اخلاق بد فرد، علم را همچون ابزار به کار می‌گیرد؛ علم را به سمت بسط زشتی‌ها سوق می‌دهد.

مهم در دانشگاه‌ها، دانشسراها... این است که همراه با تعلیمات و تعلیمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبه اعلا رسیده‌اند، لکن تربیت انسانی ندارند. یک همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیاده‌تر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاقی و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و بر کشور زیاده‌تر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می‌کند در دست خودش، و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۱۰). آموزش تنها اثر ندارد. پرورش پهلوی آموزش باید باشد. یعنی جوانها وقتی که در دانشگاهها [و] دانشسراها بروند برای تحصیل، اگر همان تحصیل محض باشد، گاهی وقتها شاید مضر هم باشد به حال کشور. بسیاری از ضررهایی که به کشور ما وارد شده است از همین تحصیلکرده‌ها وارد شده است. طرحهای منافعی با کشور ما بسیاری‌اش به دست همین تحصیلکرده‌ها شده است. تحصیلکرده‌هایی که آموزش داشته‌اند، لکن پرورش نداشته‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۴).

امام به تخصص بی‌اعتنا نبود. آن را لازم می‌شمرد. اما تقابل تعهد و تخصص را به رسمیت نمی‌شناخت. در فضایی که بر طبل تخصص کوبیده می‌شد و برای تعهد و بایسته‌های اخلاقی در آموزش مجال تدارک دیده نمی‌شد؛ ایشان تلاش داشت نقش تعهد را یادآوری کند و معتقد بودند متخصص باید متعهد باشد از نظر امام هیچ یک از تعهد و تخصص جای دیگری را نمی‌گیرد و اینکه اگر روح تعهد بر جامعه و دانشگاه‌ها حاکم باشد به برکت احساس مسئولیت ناشی از آن، تخصص نیز فراهم خواهد شد. «شما باید در هر جا که تحصیل می‌کنید و جوانها و کودکان ما در سرتاسر کشور، در هر مرکزی که اشتغال به تحصیل دارند باید توجه به این داشته باشند که تحصیل همراه تهذیب و همراه تعهد و همراه اخلاق فاضله انسانی است که می‌تواند ما را به حیات انسانی برساند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳).

امام خمینی بر این باور بود که محیطی که در آن تعلیم از تربیت جدا می‌افتد، فرهنگ و روحیه استبدادی رشد می‌کند. امام خمینی هشدار می‌داد که اهل علم باشیم و علم را با ادب و اخلاق، با تعهد و مسئولیت درهم آمیزیم.. «اگر ملت ما علم را، آن علم جهتدار را یاد بگیرند، تربیت بشوند، در مقابل علم، در پهلوی علم هم تربیت باشد؛ تربیت دینی، تربیت الهی، تربیت انسانی و هم علم، اگر این دو حربه در دست شما باشد، کسی نمی‌تواند به شما تعدی کند، کسی نمی‌تواند استبداد را برگرداند. و اگر این علم نباشد مردم را توجیه می‌کنند به جایی که باز هم آن مسائل سابق بر گردد، و آن استبداد سابق و آن وابستگیهای سابق» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۵۲).

۷) خودکفایی و استقلال علمی و فرهنگی

امام خمینی دانشگاه را زمینه ساز استقلال مملکت می‌داند و می‌فرماید:

اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا نکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت‌های داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳).

امام خمینی خودباختگی و از دست دادن استقلال فکری از جمله در علم پزشکی را عامل وابستگی کشور و بدبختی یک ملت می‌داند و می‌فرماید: «در عین حالی که طیب داریم، یکی که مریض می‌شود می‌گویند اروپا باید ببریم! این برای این است که خودمان را از دست دادیم. استقلال فکری دیگر حالا نداریم. همه‌اش دنبال این هستیم که غرب چکاره است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۹۵).

در واقع امام وابستگی پزشکی به غرب را از علل از دست دادن استقلال فکری دانشگاه از لحاظ علم و فناوری می‌دانسته است و دانشگاه را به سمت استقلال فکری و به دست آوردن هویت خودشان سوق می‌داده و می‌فرماید: «دانشگاهها بروند دنبال اینکه جوانهای ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند؛ یک فرهنگ بزرگ دارند. بفهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج. بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم؛ و ما خودمان می‌خواهیم خودمان را اداره کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۹۲).

امام خمینی جهت استقلال کشور در علم و فناوری دانشگاه را به قطع احتیاج از خارج سفارش می‌کرده و دانشگاه‌ها را به جدیت و تلاش در استقلال تولید علم و دانش و خودکفایی در دانش توصیه می‌کرد و می‌فرمود: «اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر، اگر احتیاج داشت که نمی‌تواند مستقل باشد. احتیاج، خودش یک بستگی [سیاسی] است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۴۳). امام خمینی استقلال و قطع وابستگی دانشگاه‌ها را در علم و دانش از غرب، نتیجه در انزوا بودن و ایجاد محدودیت‌های استعمارگران دانسته که با فرصت طلبی دانشمندان و دانشگاهیان داخل کشورمان به وجود آمده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۳۱۱). بنابراین امام خودکفایی و استقلال ملت‌ها را از رسالت مهم دانشگاه می‌داند و دانشگاهیان را به تلاش و کوشش فراوان برای به استقلال رساندن ملت از همه لحاظ توصیه و سفارش کرده است.

۸) ایجاد وحدت با حوزه علمیه

موضوع وحدت حوزه و دانشگاه، از جمله آرمان‌های اساسی و اصیل انقلابی است که خالق آن امام است؛ یعنی پیش از ایشان کسی چون او به اهمیت این موضوع توجه نکرده بود، و به آسیب‌ها و موانع، پیامدها و آثار مثبت مسأله و فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامون آن نپرداخته بود. ایشان نخستین بار به نحو جامع و جدی به پیشینه و پیامدهای آن توجه فرمود و نظرات نخبگان و فرهیختگان کشور را به آن جلب کرد. ضرورت وحدت حوزه و دانشگاه، از یک حقیقت چند وجهی ناشی می‌شود که خلاصه آن عبارت است از اینکه جامعه ما اکنون دارای دو گروه مرجع اصلی است، که اولاً همدلی و همراهی آن دو مایه انسجام ملی است که مبرم‌ترین نیاز کنونی و آتیه ماست، و ثانیاً این دو طبقه که مرجع معرفتی جامعه‌اند، حاملان علم‌الابدان و علم‌الادیان هستند و جدایی آنها به معنی جدایی دین و دنیا در جامعه ماست، و این یعنی مرگ انقلاب اسلامی - که طلایه دار وحدت دین و دنیا و دیانت و سیاست در عهد فراسکولاریسم است - قوت و قوام، بالندگی و دوام این نهضت عظیم در گرو وحدت دین و دانش و به تعبیر دیگر، تولید علم دینی است.

امام در این خصوص می‌فرماید:

تکلیف همه‌مان چیست. تکلیف مهم، آنی است که متوجه به این قشر است،
و این قشر یعنی روحانیون، دانشگاهیها و دانشجوها. آنکه مغز متفکر جامعه

است همین دو طایفه‌اند. اینها مغز متفکرند. دانشگاهی‌ها، چه آنهایی که از دانشگاه بیرون آمده‌اند و حالا وکیل دادگستری شده‌اند، یا حقوق‌دان شدند یا هر چیز، چه این قشر روحانی که مشغول تحصیل‌اند یا از تحصیل فارغ شده‌اند و مشغول ترویج و کارهای دیگر هستند، مغز متفکر جامعه، شما دو طایفه هستید. و آن قشری که می‌تواند خنثی کند آن توطئه‌هایی که با کمال دقت برای شکست دادن نهضت در شُرف تکوین است، آن هم شماها هستید. تکلیف برای شما دو طایفه از سایرین زیادتر است؛ و مسئولیتان بسیار زیاد، همه مسئول‌اند، لکن شما دو طایفه مسئولیتان زیادتر است. و آنها در صدد هستند که بین شما دو طایفه‌ای که با هم مربوط شدید و دیگر صحبتی نبود که دانشگاهی‌کذا و روحانی‌کذا، همه با هم بودید و پیش بردید- بحمد الله- و فهمیدید با هم بودن پیش می‌برد. شما دو قشری که مغز متفکر بودید، وقتی با هم مجتمع شدید قشرهای دیگر پیوند کردند با شما، تکلیف شما و این قشر روحانیون و شما آقایان دانشگاهیها این است که دست از هم برندارید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۶۵-۴۶۴).

دانشگاه برای به انجام رساندن رسالت و وظایف خود از جمله موارد فوق‌الذکر به تنهایی و بدون کمک گرفتن از سایر نهادهای فرهنگی به خصوص حوزه نمی‌تواند به اهداف خود برسد. امام خمینی برای همین می‌فرماید:

دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت‌های کشور. و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می‌آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه‌های علمیه مُهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می‌توانند نجات بدهند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۱۳-۴۱۲).

امام برای تحقق اهداف فوق‌الذکر، وحدت حوزه علمیه و دانشگاه را شرط و ابزار، و همسویی هر دو را از رسالت‌های اجتناب‌ناپذیر این دو مرکز فکری برمی‌شمارد و لوازم و موانع آن را گوشزد می‌نماید. از آن جمله، به فنی‌ترین مباحث نظری و ظرایف روشی توجه داشته و

می‌فرماید: «فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیر حوزهای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۹۹).

نتیجه

از مجموع دیدگاه‌های امام خمینی می‌توان دریافت که امام راحل بر اهمیت فوق‌العاده دانشگاهها در نظام اجتماعی، جهت‌گیری محتوای علمی به ویژه در علوم انسانی، مسئولیت اجتماعی و سیاسی دانشگاهیان در قبال توده‌های مردم، رسالت فرهنگی و علمی دانشگاهها برای تعالی و ارتقاء جامعه، حفظ استقلال فکری و علمی دانشگاهها، تعهد و تهذیب در کنار فراگیری علم و دانش دانشگاهیان تأکید داشتند دانشگاه از آنجا که محل ارائه و تبادل مباحث علمی، در چارچوبی منطقی و عقلانی است، همیشه به عنوان جایگاه فرهیختگان و اندیشمندان برای همه مردم قابل ارج و احترام بوده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: مهم‌ترین بخش اظهارات امام درباره دانشجویان و اساتید مبنی بر آگاه ساختن مردم و دانشجویان از نقشه‌های استعماری و خارجی است که بر روی قشر جوان تأثیر می‌گذارد. دانشگاه از دیدگاه ایشان مهد تربیت انسان‌های الهی است، مهدی که انسان‌های معنویت‌گرا تربیت کند نه انسان‌های مادی‌گرا، و از لوازم سعادت‌مندی و خوشبختی یک ملت خودباوری و خود اتکایی علمی و فرهنگی است که بدون وابستگی علمی به استعمارگران این امر محقق می‌گردد و دانشگاه می‌تواند گامی بسیار مهم و مؤثر در این راه برداشته و راه سعادت و خوشبختی ملت را هموار نماید. همچنین دانشگاه از منظر امام می‌تواند با تولید دانش مفید و مؤثر و هدایت جوانان و ملت‌ها آنان را از افتادن به مفاصل نجات داده و به راه الهی و خدایی سوق دهد و شرط تحقق این موارد بدون همکاری با حوزه علمی و دیگر نهادهای فرهنگی امکانپذیر نیست. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، راهبردهای تحقق دانشگاه اسلامی با تأمل بر دیدگاه‌های امام عبارتند از:

۱) ایجاد فضای سالم و عاری از فساد؛ ۲) انسان‌سازی و اخلاق‌مداری؛ ۳) کارآمدی و برقراری ارتباط با جامعه؛ ۴) تربیت نیروهای انسانی متخصص و متعهد؛ ۵) جهت‌گیری توحیدی و

معنوی محتوای علوم؛ ۶) همراهی تهذیب و تعلیم؛ ۷) قطع وابستگی به بیگانگان و استقلال کشور؛ ۸) ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه. این راهبردها علاوه بر اینکه از یکسو از آسیب‌ها و نقاط ضعف فعلی دانشگاه پرده برمی‌دارد، از سوی دیگر به روشنی از تحلیل جامع امام خمینی نسبت به بایسته‌های دانشگاه حکایت می‌کند و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را از رویکردهای سطحی و یک بعدی و غیر جامع برحذر می‌دارد. در نظر گرفتن راهبردهای یاد شده، مؤید این نکته نیز هست که برای تحقق آرمان دانشگاه اسلامی باید همه عواملی که در شکل‌گیری کیفیت دانشگاه مؤثر هستند را مورد توجه قرار داد؛ به ویژه نیروی انسانی و زمینه‌های فکری و فرهنگی.

منابع

- آقاپور، سیدمهدی و مختار حسینی سوخته سرایی. (۱۳۹۱) بررسی رویکرد دانشگاه اسلامی در سیره رهبری امام خمینی (ره)، *مجله مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، سال اول، شماره اول، صص ۶۸-۴۷.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(س)، چاپ چهارم.
- بابایی، احسان. (۱۳۹۴) «شاخص‌های دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی»، سایت دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- فیض، داود و نوید شریفی. (۱۳۸۸) «طراحی الگوی مفهومی ارزیابی دانشگاه اسلامی با بهره‌گیری از مدل کارت امتیاز متوازن»، *فهرنتک در دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۴۶-۲۸.
- قنبری، سیروس و کاظم منافی. (۱۳۹۵) «الگوی راهبردی دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی^(ره)»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱۶۹-۱۴۳.
- مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۷۷) جلسه ۴۳۲، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷.
- موسوی، سید فضل الله. (۱۳۸۸) «جایگاه دانشگاه از دیدگاه امام^(ره)»، نشر راسخون، *ماهنامه علوم انسانی*.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. (۱۳۸۶) *دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام^(ره)*، تهران: معاونت پژوهشی مؤسسه نشر آثار امام^(ره).